

فصلنامه خط اول

سال دوم، شماره ۶، پاییز ۱۳۸۷

صفحه ۱۹ تا ۴۲

سیری در نگرش‌شناسی تاریخ انقلاب اسلامی تجاری‌نویسان و تاریخ‌نگاری مخالفان رژیم پهلوی

یعقوب توکلی
پژوهشگر و مدرس تاریخ

چکیده:

در شماره گذشته اشاره شد بیان پدیده‌های تاریخی و سیاسی با عقاید و تجربه‌های هر نویسنده تجزیه و تحلیل می‌شود و یکسان‌پنداری نگرش نویسندگان مطابق با واقع نیست. نگرش‌شناسی تاریخی به درک واقعی‌تر از تاریخ کمک می‌کند. بنابراین لازم است گرایش‌های نویسندگان تاریخ معاصر بازکاوی و بازشناسی گردد. در این مقاله به طور خلاصه نگرش تجاری‌نویسان و ویژگی‌های عمومی تاریخ‌نگاری مخالفان رژیم پهلوی (ملی‌گراها، چپ‌گراها و نیروهای مذهبی) در تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی را توضیح می‌دهیم.

کلیدواژه: تاریخ‌نگاری، تجاری‌نویسان، ملی‌گراها، چپ‌گراها و نیروهای مذهبی.

مقدمه:

تجاری‌نویسان از مهم‌ترین طیف‌های تاریخ‌نگاری هستند. نویسندگانی که براساس عرضه و تقاضای تجاری و اقتصادی نه به قصد نشر حقایق و یا روشن نمودن واقعیت‌های تاریخی، کتاب می‌نویسند. هر چند ممکن است در دیدگاه و نگرش اقتصادی خود حقایق نیز گفته شود ولی اصالت با تجارت در نگارش و بازار نشر و توزیع و فروش بیشتر خواهد بود. ویژگی این آثار را می‌توان در مباحث زیر دانست.

۱. داستان‌نگاری تاریخی

طیف خاصی از نویسندگان را می‌توان بر شمرد که در سالهای قبل از پیروزی انقلاب هر کدام به نوعی در حکومت پهلوی مسئولیت و ارتباط داشته‌اند و در زمره مسئولان فرهنگی، سیاسی حکومت شاهنشاهی به شمار می‌آیند. این افراد نه آن قدر اهمیت داشتند که هدف آماج انقلاب قرار بگیرند و نه آن قدر هم بی‌اهمیت بودند که افرادی حاشیه‌نشین و غیرمطلع از درون سیستم باشند. نکته در خور توجه پیرامون این دسته از نویسندگان این است که غالب این نویسندگان، ساختار داستان تاریخی را انتخاب کرده‌اند. از جهتی دیگر این اشخاص سابقه کار مطبوعاتی داشته و در مطبوعات زمان پهلوی قلم می‌زده‌اند. بنابراین تلفیقی از شیوه داستان تاریخی و ژرنالیسم مطبوعاتی در جدایت کتاب و نوشته این اشخاص بسیار موثر است. مانند آقایان: مسعود بهمنی، باقر عاقلی، خسرو معتضد، اسکندر دلد، ناصر نجمی و محمود طلوعی و داود علی‌بابایی.

عمده کاری که این طیف در تاریخ‌نگاری، انتخاب شیوه داستانی می‌باشد و در این راستا بیشتر تحت تاثیر شیوه مرحوم ذبیح‌الله منصوری قرار گرفته‌اند. افرادی که با شیوه نوشتاری ذبیح‌الله منصوری آشنایی دارند واقفند که قالب آثار وی قالب داستان تاریخی است و به همین خاطر آثارش فوق‌العاده مورد توجه و فروش قرار گرفته است. اما هیچ یک از این آثار را نمی‌توان در حیطه تاریخ یا داستان قرار داد. زیرا حد مشترکی را بین تاریخ و داستان انتخاب کرده و در این رویه براساس سبک و سیاق داستانی تاریخ نوشته است. عملاً هم طالب و مشتری فراوانی برای خواندن آثارش یافته است، چون به قلم بسیار ساده و روان نوشته شده و خواندن مطالب برای خوانندگان آسان است. از طرفی چون مستند نیست و نیاز به ارائه سند هم ندارد لذا دست نویسنده در خلق این گونه آثار باز است. کتابهای این سه زن از مسعود بهنود، داستان انقلاب از محمود طلوعی، مثل ثریا گریه خواهم کرد از خسرو معتضد،

هویدا سیاستمدار، پپ، عصا، گل و ارکیده، خاطرات من و فرح پهلوی از اسکندر دلدن و یا دوقلوی میرپنج از اسماعیل جمشیدی لاریجانی از این دست آثار می‌باشند. داستان‌پردازی و وجه غالب این گونه کتابها است. وجه دیگری که در این کتابها به چشم می‌خورد، مقوله مفصل‌نویسی این گونه آثار است. بعضی از این کتابها بالای هزار صفحه هستند و دارای ظاهری زیبا و آراسته نیز می‌باشند و در تزیین کتابخانه‌ها کاربرد زیادی دارند.

۲. ماده‌گرایی تاریخی

دیگر خصیصه این قبیل کتابها توجه فوق‌العاده به زن می‌باشد. تشریح روابط جنسی حاکم در دربار و خانواده پهلوی و یا به روابط خاص این افراد پرداخته شده است. کتابهایی همانند: دوقلوی میرپنج، مثل ثریا گریه خواهم کرد، همسران شاه، روان‌شناسی همسران شاه، خاطرات من و فرح پهلوی، دخترم فرح و خاطرات تاج الملوك از جمله کتابهایی است که با ذکر و بیان نوع روابط در قالبهای مختلف چون مسائل جنسی و روابط مرد و زن و یا زن سالارانه در این دوره اشاره دارند. شاید دلیل این روش این باشد، که زمانی تلقی می‌شد، در جامعه‌ای که یک سری محدودیتهای مطبوعاتی و تصویری و ظواهر بیرونی اعمال می‌شود از زبان تاریخ می‌توان به بیان این گونه قضایای تاریخی پرداخت.

۳. کتابسازی (سیستم چسب و قیچی)

ویژگی دیگری این قبیل کتابها این است که اگر یک بار کتابی را مورد مطالعه قرار دهید از خواندن بسیاری از این کتابها مستغنی می‌شوید. چون در می‌یابید تفاوت این گونه کتابها در اسم و ظاهر کتاب است و تنها با پس و پیش کردن عنوان‌ها، کتاب جدیدی شکل گرفته است. به عنوان نمونه کتاب درون ارتش شاه نوشته آقای خسرو معتضد مجموعه‌ای از خاطرات جمعی از افسران عضو سازمان نظامی حزب توده است که با دقت نظر معلوم می‌شود خاطرات اول کتاب مربوط به شخص دیگری است که قیام افسران خراسان را نوشته است. از آنجا که درباره قیام افسران چند کتاب نگاشته شده که یکی توسط پرفسور احمد شفایی و دیگری را ابوالحسن تفرشیان به همین نام نوشته‌اند مؤلف کتاب «درون ارتش شاه» چند فصل را از این دو کتاب کنار هم قرار داده و این کتاب را به چاپ رسانده است. با مطالعه کتاب مذکور در می‌یابیم که ادبیات این کتاب در فصلهای مختلف با هم فرق دارد. قلم و زبان متفاوت است. از این شباهتها در کتاب دخترم فرح نیز وجود دارد و تنها کاری

که این طیف نویسندگان انجام داده‌اند استفاده از چسب و قیچی و مخلوط کردن فصلهای کتب گوناگون با یکدیگر است.

۴. تصویرپردازی زنانه

علوه بر نکته ماده‌گرایی که در این کتاب‌ها مورد توجه است، بحث تصویرپردازی نیز حائز اهمیت است. تعداد قابل توجه‌ای عکس در این کتاب‌ها برای جذابیت مورد استفاده قرار گرفته است. البته ممکن است این گونه به نظر برسد بحث تصویرپردازی طبق اصول و قواعد هیچ مشکلی نداشته باشد، ولی استفاده از عکس در این کتاب‌ها برای جلب مشتری است. به طور مثال در کتاب دخترم فرح، عکس‌های خصوصی شاه، ثریا، فوزیه، فرح و میهمانی‌ها و انواع و اقسام تصاویر را چاپ کرده‌اند.

در واقع وجود عکس‌های این چنینی در این قبیل کتاب‌ها به خاطر جلب مشتری و فروش بالای کتاب‌ها می‌باشد و ناشران و نویسندگان این گونه کتاب‌ها به این مسئله به طور کامل آگاه‌اند.

۵. تلطیف پهلوی‌ها

اگر ویژگی‌های فوق‌الذکر بیشتر معطوف به ظاهر کتاب است، ویژگی حاضر به محتوا و پیام کتاب‌ها برمی‌گردد. نکته قابل توجه در این کتاب‌ها این است که نویسندگان این آثار همگی به تلطیف رژیم پهلوی و سیاست‌های آن پرداخته‌اند. مثلاً مسعود بهنود در کتاب از سید ضیاء تا بختیار، یکی از موضوعاتی را که به طور جدی به آن پرداخته، این است که چرا امام را در ۱۵ خرداد اعدام نکردند. شاید برای اولین بار این سؤال را ایجاد کرد که چرا محمدرضا شاه، رهبر مخالفانش را اعدام نکرده و در این امر کوتاهی کرده است؛ اما بقیه مخالفان را اعدام نمود. ایشان طوری وانمود کرده‌اند که گویی وجود سیاستمدارهای عاقلی چون علی‌دشتی، سید حسن تقی‌زاده، سید ضیاء‌الدین طباطبایی و دیگران اجازه ندادند مهار شاه و حکومت به دست افرادی چون اسدالله علم بیفتد تا امام خمینی را اعدام کند. در واقع می‌خواهند با این بحث امام را مدیون این گونه افراد نشان بدهند، که این افراد مانع از این کار شدند و زمینه نجات امام را از اعدام فراهم کردند.

در خصوص تلطیف پهلوی‌ها باید گفت نویسندگان به طور جدی سعی دارند نقاط برجسته و بعضاً به ظاهر بلاعیب شخصیت‌ها و تصمیم‌های پهلوی‌ها را بیشتر مطرح کنند و

وقوع جرایم سنگین غیر انسانی و ظلم و ستم بر مردم و وابستگی عصر پهلوی را از صفحه تاریخ به نوعی حذف نمایند. مثلاً رجال پهلوی باقر عاقلی را که مطالعه می‌کنیم، به افرادی چون ارتشبد نصیری و پاکروان که می‌رسیم، مشاهده می‌کنیم نویسنده چقدر هوشمندانه چهره‌ای چون نصیری را نیز تطییف کرده است. به عنوان نمونه دیگر بهنود در کتاب از سید ضیاء تا بختیار مدعی می‌شود که سیاست نه شرقی نه غربی برای اولین بار در ایران توسط شریف امامی در دوره اول نخست وزیری خودش مطرح و اعمال شده است. به عبارتی بحث توازن روابط شرق و غرب، در دوره شریف امامی مطرح شد. اما کاملاً مشهود است که این ادعا چقدر اغراق آمیز است.

۶. تلاش برای اصیل‌نمایی اشرافیت پهلوی‌ها

مسئله قابل توجه دیگر این است که این طیف از نویسندگان می‌خواهند شخصیت‌های مورد نظر خود در عصر پهلوی را از خاندان اصیل و دارای نجابت خانوادگی و وجاهت دینی معرفی بکنند.

تردید وجود ندارد که تاریخ ایران گرفتار بیماری اشرافیت زدگی است و این بیماری در میان تجاری‌نویسان شدیداً گسترش دارد. در همین راستا نویسندگان تجاری‌نویس وقتی به افرادی از خانواده‌هایی چون قوام السلطنه، قوام الملک شیرازی، علم، امینی، دیبا، مسعود انصاری و... که می‌رسند خیلی بر اصالت خانوادگی آنها تأکید می‌کنند. به عنوان نمونه باقر عاقلی در بیان این‌گونه تعریف و تمجیدها نسبت به احمد قوام السلطنه، شریف امامی و علی امینی بسیار توجه دارد.

۷. مقصریابی وقوع انقلاب

ویژگی دیگر این قبیل کتاب‌ها به دنبال پیدا کردن یک مقصر اصلی برای انقلاب است، این مقصر قطعاً خود شاه و رژیم پهلوی نیست. کاملاً نوعی هماهنگی تاریخی و هماهنگی در ادبیات در اکثر این آثار وجود دارد و قصور در این زمینه بیشتر متوجه شخصیت‌های پیرامونی، ساواک و چهره‌های سوء استفاده‌چی و یا افرادی است که به نوعی به رژیم پهلوی خدمت نکردند. مثلاً در کتاب دخترم فرح حدود ۱۵ نفر و جریان به عنوان مقصر در سقوط رژیم و بروز انقلاب نام برده می‌شود.

۸. جعل نویسی و استناد غیر مستند

در مواردی شاهد جعل در تاریخ‌نگاری تجاری‌نویسان هستیم. کتاب دخترم فرح از جمله کتاب‌هایی است که به طور چشم‌گیری در ایران به فروش رفت و مورد اعتنا واقع شد و حداقل، حدود هشت بار تجدید چاپ شده است، اما به این موضوع کمتر توجه شده است که کتابی که در ایران آن قدر به فروش رفته اساساً جعلی است. چرا که نویسنده این کتاب مشخص نیست و واضح است که خانم فریده دیبا مادر فرح این اطلاعات را نداشته است. ایشان مطالبی را در این کتاب عنوان کرد که مثلاً افرادی چون ارتشبد فردوست و یا ارتشبد طوفانیان به عنوان یک چهره امنیتی اطلاعاتی، بدان دسترسی داشته‌اند.

یکی از ویژگی‌های این دسته از تاریخ‌نویسان بحث تاریخ‌سازی و جعل تاریخ است که متأسفانه به نوعی در بخش‌های مختلف این کتاب‌ها وجود دارد. کتاب دخترم فرح و خاطرات تاج الملوک کاملاً جعلی است و هیچ‌سندی برای اینکه این کتاب توسط خانم فریده دیبا به عنوان مادر فرح نوشته شده باشد در دست نیست. از نکات جالب توجه و بارز کتاب دخترم فرح این است که به روشنی در می‌یابیم ادبیات استدلالی بخش‌های مختلف کتاب با هم متفاوت است، به عبارتی کتاب را چند نویسنده نگاشته‌اند و طبیعتاً با یک قلم نوشته نشده است. با توجه به دوره‌ای که فرح در آن حضور داشته و اطلاعاتی که در این کتاب آورده شده است، فریده دیبا نمی‌توانسته بدان دسترسی داشته باشد. حتی اطلاعاتی از دوره‌هایی آورده شده است که فریده دیبا در تبریز مشغول خیاطی بوده است. فرح نیز خردسال بوده و او هم این اطلاعات را نمی‌دانسته. جالب‌تر اینکه ادعا شده که این کتاب به زبان انگلیسی نوشته شده است، در حالی که خانم دیبا بی‌سواد بوده و بعد خانم نامعلومی به نام دکتر الهه رئیس فیروز این کتاب را ترجمه کرده و بعد از ترجمه، این کتاب چاپ شده است. در این کتاب خانم فریده دیبا نسبت به تاج الملوک مادر شوهر دخترش، در قسمت‌ها و بخش‌های مختلف کتاب بسیار بد و بیراه می‌گوید و بعد خانم تاج الملوک در خاطرات خودش نسبت به این بدگویی‌ها به فریده دیبا جواب می‌دهد. واقعیت این است که این طیف کتاب‌ها را جامعه از حوزه تاریخ‌نگاری و منابع قابل استناد خارج نکرده و چون خارج از تاریخ نمی‌داند لذا این آثار گسترش می‌یابند.

تاریخ‌نگاری مخالفان رژیم پهلوی

منظور از مخالفان رژیم پهلوی کسانی هستند که به عنوان نیروهای مخالف، با رژیم پهلوی

به مبارزه پرداخته‌اند، البته هر کدام از این مخالفان ممکن است دورنما و اهداف و ابزار خاص خود را در مسیر مبارزه با رژیم پهلوی به کار گرفته و یا آنکه به طور متفاوت مورد بغض و خصومت رژیم پهلوی قرار گرفته باشند گروه‌های مخالف رژیم پهلوی در سه دسته عمومی قابل تقسیم بندی می‌باشند. اگرچه این تقسیم بندی به عنوان مرزهای بلا اشکال نبوده و به طور طبیعی نسبی براساس مفروضات مشترک بین طیف‌های مختلف می‌باشد.

ویژگی‌های عمومی تاریخ‌نگاری مخالفان پهلوی

در بحث مخالفان رژیم پهلوی ۳ دسته آثار شناخته شده است. آثار مخالفان رژیم پهلوی به سه دسته اسلام‌گرایان، چپ‌گرایان و ملی‌گرایان تقسیم می‌شوند. آثار نوشته شده توسط مخالفان رژیم پهلوی دارای مجموعه‌ای از ویژگی‌های مشترک و نقاط افتراق است. در ابتدا به ویژگی‌های مشترک آنها اشاره می‌شود.

۱. اصل مخالفت با رژیم پهلوی

اولین چیزی که در کتاب‌های این مجموعه از نویسندگان مورد توجه است، عبارتند از: اصل مخالفت با رژیم پهلوی، تلاش برای اثبات وجود استبداد خشن و بی رحم سیاسی و وابستگی به نیروهای خارجی در نظام سلطنتی ایران. گروه‌های چپ‌گرا، ملی‌گرایان و اسلام‌گرایان در این مسئله با هم وجه اشتراک دارند. به طور مثال کتاب قیام افسران خراسان ابوالحسن تفرشیان، خاطرات نورالدین کیانوری و کتاب تاریخ سی ساله بیژن جزنی از چپ‌گرایان و یا کتاب تاریخ ۲۵ ساله سرهنگ غلامرضا نجاتی و کتاب انقلاب ایران در دو حرکت مهندس بازرگان از ملی‌گرایان و یا کتاب بررسی و تحلیلی بر نهضت امام خمینی حمید روحانی و تاریخ سیاسی معاصر ایران سید جلال الدین مدنی از اسلام‌گرایان، همه این کتاب‌ها در لزوم مبارزه با رژیم پهلوی و وجود استبداد سلطنتی در ایران اتفاق نظر دارند.

۲. خود فراتر بینی و تلاش برای اثبات نقش برتر

این دسته از نویسندگان تلاش دارند از خود و هم‌زمانشان چهره‌ای فعال نشان دهند. به طور مثال عضو سازمان فدائیان خلق در رابطه با وقایع منطقه سیاهکل و یا عضو سازمان حزب توده زمانی که خاطرات افسران خراسان را توضیح می‌دهند، فوق العاده موشکافانه ظرایف و اطراف قضیه را مورد بررسی قرار می‌دهد. این خصوصیت در ادبیات ملی‌گرایان

و اسلام‌گرایان نیز مشهود است، همچون: تاریخ بیست و پنج ساله سرهنگ نجاتی، آخرین تلاش‌ها در آخرین روزها اثر ابراهیم یزدی و همچنین بررسی و تحلیلی بر نهضت امام خمینی سید حمید روحانی و نهضت روحانیون علی دوانی از این ویژگی مشترک برخوردارند.

۳. تلاش برای اثبات پیشگامی در مبارزه

نکته دیگری که هر سه گروه به آن اهتمام دارند، بحث اثبات پیشگامی در مبارزه علیه رژیم پهلوی است. هر سه گروه چپ‌گرا، ملی‌گرا و اسلام‌گرا تلاش دارند پیشگام بودن خود را به اثبات برسانند. این بحث آن قدر جدی است که در سال‌های اول انقلاب، ملی‌گراها دم از آن می‌زدند که نهضت از جنبش ملی شدن صنعت نفت آغاز شده، تاجائیکه حضرت امام خمینی در سخنان خود پاسخ می‌دهند که این قیام از واقعه ۱۵ خرداد شروع و توسط مرجعیت هدایت شده است.

۴. حماسه‌سازی از مبارزات صورت گرفته

نکته دیگری که در آثار مخالفان رژیم پهلوی به صورت مشترک قابل توجه است، بحث حماسه‌سازی از مبارزات خودشان است. همه این مبارزان به نوعی توجه دارند، از مبارزه‌ای که انجام داده‌اند یک نوع حماسه بر جای بگذارند. این روش در جریان تاریخ‌نگاری نیز قابل مشاهده است. با مطالعه خاطرات احمد احمد، علی اکبر محتشمی، مرتضی الویری و هادی غفاری در می‌یابیم این افراد علاقه زیادی به حماسه‌سازی از مبارزات خود دارند. با مطالعه خاطرات کیانوری در می‌یابیم که وی تلاش می‌کند تا هوشمندی خود را در سیاست کشور به نوعی به اطلاع همه برساند.

در مورد حماسه‌سازی نکته قابل ذکر این است که در بین گروه‌های چپ و ملی‌گرا، گروه اسلام‌گرا از دو دسته دیگر بسیار ضعیف‌تر عمل کرده‌اند. به عنوان مثال، آن قدر که درباره خسرو روزبه تبلیغ صورت گرفته، درباره سید علی اندرزگو، آیت اله سعیدی و یا آیت اله غفاری تبلیغ صورت نگرفته و طور کلی به این عبارت بسنده شده: آقایان در برخورد با رژیم پهلوی به شهادت رسیدند. اما درباره هوشنگ پیمانی - چپ‌گرای یهودی متهم به جاسوسی برای روسیه - در کتاب راز محکومیت من به اعدام از گستردگی برخورد ساواک و از اهمیت و ویژگی‌های رفتاری و مقاومتش در برابر ساواک مفصل بحث شده است.

ویژگی اسلام‌گرایان

اسلام‌گرایان از گروه‌های اصلی تاریخ‌نگاری دوره معاصر هستند. طیفی که توانستند با اتکا به نیروی مردمی و رهبری مرجعیت شیعی حاکمیت پهلوی را سرنگون سازند و ساختار جدیدی را در ایران سازماندهی نمایند. بنابراین تلاش برای احیاء اسلام، با اتکاء به رهبری روحانیت و براساس اصول و باورهای دینی و اعتقاد به مبارزه و شهادت در راه خدا، از ویژگی‌های این جریان فکری است.

ویژگی‌های تاریخ‌نگاری اسلام‌گرایان

آثار اسلام‌گرا بر چند امر تأکید دارند و نقطه مشترک بین این آثار شامل موارد زیر می‌شود:

اول: اسلام به عنوان راه حل مبارزه

اسلام به عنوان راه حل مبارزه مورد توجه اسلام‌گرایان است. آنان اسلام را به عنوان دستورالعملی می‌دانند که می‌توان با استفاده از آن از استبداد سلطنتی رهایی یافت و راه مبارزه را می‌توان از این طریق تشخیص داد و به نتیجه رسید. ضمن آنکه مبارزه با استعمار خارجی نیز از باب نفی سبیل و سلطه کفار و دشمنان اسلام قابل فهم است. به همین خاطر مبارزه با آنان جهاد و مرگ در راه آن شهادت است. در این امر بین اسلام‌گرایان با ملی‌گرایان و چپ‌گرایان تفاوت اساسی وجود دارد.

دوم: رهبری مرجعیت و روحانیت

بحث رهبری روحانیت در متون مربوط به تاریخ‌نگاری اسلام‌گرایان، اصلی اساسی و مهم است. در واقع پیشگام این امر سید حمید روحانی می‌باشد. او اولین کسی است که همراه امام در نجف حضور داشته و کتاب بررسی و تحلیلی بر نهضت امام خمینی را در سال ۱۳۵۶ به چاپ رسانده است. ممکن است بعضی از دوستان بگویند در کتاب ایشان تندروری‌هایی وجود دارد و این موضوع واقعیت دارد که آن هم معلول زمان و وقوع در جریان مبارزه است. دیگران هم از همه جناح‌ها و طیف‌ها تقریباً به همین صورت عمل نموده‌اند. متونی که توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر و دفتر ادبیات انقلاب اسلامی چاپ شده، اعم از خاطرات، تحقیقات و پژوهش و حتی اسنادی که مرکز بررسی اسناد وزارت اطلاعات یا مؤسسه مطالعات پژوهشی - سیاسی چاپ شده است، به هر کدام که مراجعه کنیم در می‌یابیم، بحث هدایت و رهبری حضرت امام در این آثار مورد توجه

جدی قرار گرفته است.

سوم: استبداد و استعمار ستیزی

نکته دیگری که در این دسته از آثار مورد توجه است مبارزه با بیگانگان در کنار مبارزه با استبداد داخلی است. این گونه آثار در بحث مبارزه با استکبار به کشور سلطه گر آمریکا بسیار توجه کرده‌اند. بر عکس ملی‌گراها که در آثارشان فقط به مسئله استبداد داخلی پرداخته‌اند. این نکته که استبداد داخلی و استعمار خارجی واقع دو روی یک سکه و پشتیبان یکدیگر هستند، به نوعی از ویژگی‌های آثار اسلام‌گرایان است.

چهارم: اسلام به عنوان راه حل اداره کشور

اسلام‌گرایان علاوه بر اینکه به اسلام به عنوان راه حل مبارزه با استبداد و سلطه بیگانگان توجه می‌کنند، از آن به عنوان راه حل اداره کشور نیز یاد می‌نمایند و اسلام و حاکمیت اسلامی و تشکیل حکومت اسلامی را به عنوان آخرین راه حل در آثارشان معرفی می‌کنند.

پنجم: مردم‌گرایی عمومی

اسلام‌گرایان در زمان مبارزه سیاسی براساس راهبرد مبارزاتی امام خمینی به مردم‌گرایی عمومی اعتقاد داشتند؛ یعنی مبارزه باید توسط عموم مردم پی گرفته شود و چنانچه اقلیت خاصی بخواهند به صورت پیشگام و بدون حضور مردم وارد مبارزه شوند جز تلف کردن وقت و خون و جان خویش نتیجه‌ای نخواهند گرفت. همین نگرش نیز در ادبیات تاریخی اسلام‌گرایان مشاهده می‌شود و بیش از آنکه بر عده‌ای خاص از مبارزان نظیر رهبران و نخبگان احزاب و یا دانشجویان چریک شده تأکید نمایند بر میزان تجمع مردمی و حضور در مساجد و مراسم دینی و مذهبی تأکید دارند. به همین دلیل تاریخ‌نگاری اسلام‌گرایان در این دوره، تاریخ‌نگاری نخبه‌گرا به معنای مصطلح روز نمی‌باشد و بیشتر بر عموم مردم و حضور آنان در مساجد توجه دارند.

ششم: مسجد محوری

جنبش‌ها و خیزش‌های مبارزاتی اسلام‌گرایان بیش از هر جایی در مساجد و حسینیه‌ها و مجالس مذهبی شکل گرفته است. به همین خاطر اغلب گزارشات تاریخی اسلام‌گرایان در مساجد، حوزه‌های علمیه، حسینیه‌ها و محافل مذهبی و یا در بازار صورت می‌گیرد.

تاریخ‌نگاری ملی‌گرایان

با توجه به اینکه تاریخ‌نگاری ملی‌گرایان یکی از محورهای اصلی حوزه تاریخ‌نگاری

مخالفان پهلوی در دوره معاصر است ویژگی‌های مهم آن را به بحث می‌گذاریم.

ویژگی‌های تاریخ‌نگاری ملی‌گرایان

ملی‌گرایان به عنوان نحله‌ای از تفکر قدیمی ایرانی شعوبیه و با بن‌مایه‌های معرفتی جنبش شعوبی در ایران در دوره‌های مختلف تاریخ ایران، شکل‌های متفاوتی داشته است. این جریان در دوره اخیر با تفکر سکولار همراه شده و رشد ناسیونالیسم جدید آن را به طور جدی تحت تأثیر قرار داده و با جنبش ملی شدن صنعت نفت به شکل‌های مختلف و نهایتاً سازمان دهی نیروهای ملی‌گرا ظهور کرده است. ملی‌گرایان دارای ویژگی‌ها و مختصات خاص خود در حوزه تاریخ‌نگاری و حوادث تاریخی هستند که عبارتند از:

۱. برتری دادن ناسیونالیسم بر اسلام

آنچه در بین نویسندگان ملی‌گرا، به عنوان ایدئولوژی بسیار مورد توجه می‌باشد، اصالت ایدئولوژی ناسیونالیستی است، یعنی در واقع اسلام وجه غالب ایدئولوژی حاکم بر این آثار نیست و بیشتر به اصول ملی‌گرایی در این آثار اعتنا و توجه شده است. این جمله مشهور از ملی‌گرایان حتی ملی‌گرایان مذهبی است که ما اول ایرانی و بعد مسلمان هستیم و ما اسلام را برای ایران می‌خواهیم و ایران را برای اسلام.

۲. رهبری اسطوره‌ای و خطاناپذیر دکتر محمد مصدق

نکته بسیار مهم در تاریخ‌نگاری ملی‌گرایان اسطوره‌سازی از شخصیت دکتر مصدق است. هر چیزی که در تعارض با این شخصیت اسطوره‌ای قرار گرفته باشد آن را رد یا نفی می‌کند. یکی از بحث‌های مهم در این دوره بحث ورود ملی‌گراها به مجلس و به دنبال آن چگونگی نخست‌وزیری دکتر مصدق است. اگر ما به سیر تاریخی قضایا نگاه کنیم، می‌بینیم در این سیر نمایندگان ملی‌گرا و اسلام‌گرا به همراه مردم با ایده ملی کردن صنعت نفت در مجلس شانزدهم شرکت نموده ولی با اعمال نفوذ عبدالحسین هژیر وزیر دربار به این دسته از نمایندگان اجازه کسب رأی از تهران داده نشد. یعنی در تهران رأی‌گیری ممنوع و مسئله تقلب در انتخابات مطرح شد. تلاش دکتر مصدق و سایرین برای اقناع دربار در برگزاری انتخابات آزاد حتی در تهران به نتیجه نرسید و هیچ کدام از ملی‌گرایان از جبهه دکتر مصدق به مجلس راه نیافتند. فدائیان اسلام_ به رهبری روحانی جوانی به نام سید مجتبی میر لوحی

معروف به نواب صفوی - توسط مرحوم سید حسن امامی که عضو برجسته فدائیان اسلام بود، عبدالحسین هژیر وزیر دربار را به عنوان عامل اصلی تقلب در انتخابات معرفی و او را از میان برداشتند. بعد از ترور عبدالحسین هژیر با توجه به ترس و وحشتی که بر دربار حاکم می‌شود، رژیم پهلوی اجازه می‌دهد در تهران انتخابات به نوعی آزاد انجام شود. با این انتخابات یازده نفر عضو ائتلاف نیروهای ملی به مجلس راه پیدا می‌کنند. دکتر مصدق و آیت اله کاشانی در رأس راه یافتگان به مجلس شانزدهم بودند. این مجموعه با ورود به مجلس شانزدهم بحث ملی شدن صنعت نفت را پی می‌گیرند و تلاش این افراد برای تصویب طرح ماده واحده ملی شدن صنعت نفت در نوع خود جالب توجه است. غیر از یازده امضایی که از افراد ملی برای تصویب طرح ماده واحده ملی شدن صنعت گرفته شد، نتوانستند یک نفر دیگر را راضی کنند که به این مسئله رضایت دهد و طرح را امضاء کنند و فشار عمومی که در جامعه از طرف مردم به رهبری آیت اله کاشانی اعمال شده رژیم پهلوی و دولت انگلستان و آمریکا را مجبور می‌کند که به سمت ایجاد حکومت نظامی و یک حاکم نظامی روی بیاورند؛ از این رو سرلشگر رزم آرا به نخست وزیری انتخاب می‌شود. رزم آرا در صدد مصادره تمام حاکمیت بود. به اعتقاد بعضی رزم آرا خودش را بسیار فراتر و نیرومندتر از محمدرضا پهلوی می‌دید. او دریافته بود که محمدرضای جوان فاقد اراده و قدرت لازم در شاکله حاکمیت پهلوی است، لذا خیلی راحت می‌توانست او را از سلطنت حذف کند. البته این مسئله مورد تمایل انگلیسی‌ها نبود، ولی آمریکائی‌ها خواهان آن بودند که رزم آرا به عنوان آلترناتیوی در کنار محمدرضا قرار گیرد. لذا جرال دوهو وابسته عشایری سفارت آمریکا - که وابستگی عشایری پوششی برای عملیات سیاسی وی بود - به شدت در مسیر به قدرت رساندن رزم آرا در ایران تلاش می‌کرد. جالب این است که رزم آرا وقتی در مجلس می‌خواهد کابینه خود را معرفی کند که اعضای جبهه ملی هر چه فریاد می‌زنند که با انتخاب رزم آرا مخالف هستند. اکثریت قاطع نمایندگان که منتخب دربار بودند به رزم آرا رأی می‌دهند. طی مدتی که رزم آرا بر مسند حکومت بود، عملاً ماجرای ملی شدن صنعت نفت به بن بست رسید. تحلیل جبهه ملی این بود که آمدن رزم آرا پایان مسئله ملی شدن نفت است. حتی غلامحسین فروهر وزیر دارایی دولت رزم آرا در مجلس رسماً گفت: شما که عرضه ساختن یک لوله‌نگ (آفتابه مسی) را ندارید چرا ادعا می‌کنید که می‌خواهید صنعت نفت را اداره کنید. حاج مهدی عراقی در کتاب ناگفته‌ها توضیح می‌دهد که در جلسه فیما بین رهبران جبهه ملی و فدائیان اسلام، آقایان نشستند توافق کردند و گفتند: "رزم آرا مانع اصلی

ملی شدن صنعت نفت است و فدائیان استدلال کردند که با حذف رزم آرا قدرت به جبهه ملی خواهد رسید و ما به دنبال اجرای احکام اسلام هستیم و رهبران جبهه ملی این مسئله را رسماً پذیرفتند که ما اجازه می‌دهیم احکام اسلام اجرا شود، شما رزم آرا را از میان بردارید." سید عبدالحسین واحدی مرد شماره دو فدائیان اسلام در مسجد شاه اعلام کرد که رزم آرا یا کنار برود یا او را به همان جا می‌فرستیم که هژیر را فرستادیم. دو روز بعد در مجلس ختم آیت اله فیض، خلیل طهماسبی رزم آرا را در پیش چشم همه حاضران ترور می‌کند و رسماً مسئولیت این ترور را به عهده می‌گیرد و بعد از آن دستگیر و محاکمه می‌شود.

با کشته شدن رزم آرا، علاء به عنوان نخست وزیر معرفی می‌شود و زمینه برای به قدرت رسیدن دکتر مصدق فراهم می‌شود. همه عناصری که در این دوره فعالیت دارند، نیروهای مسلمان هستند. آیت اله کاشانی رضایت خود را از اقدامات صورت گرفته اعلام می‌دارد و حتی مجلس شانزدهم مصوبه خاصی در روند محاکمه خلیل طهماسبی به تصویب می‌رساند و با اعلام صیانت رزم آرا با فرض قاتل بودن خلیل طهماسبی او را از این جرم مبرا می‌کند. جالب این است که از آن زمان تا به حال هیچ کس نگفته محمدرضا شاه در این موضوع دست داشته و اگر واقعاً محمدرضا و عناصر او این کار را انجام می‌دادند، قاعدتاً، اسدآله علم باید در یادداشت‌ها و خاطرات خود این مطلب را می‌نوشت. همان گونه که می‌گوید: "من در پانزده خرداد عده زیادی از ارادل و اوباش را سرکوب کردم و تعداد زیادی را کشتم و تمام روحانیت را خانه نشین کردم"، می‌توانست بگوید من رزم آرا را هم کشتم و او هیچ رودربایستی هم با کسی نداشت. راحت می‌توانست مطالب خود را بیان کند و در یادداشت‌ها بنویسد. یا وقتی از شاه می‌پرسند، تیمور بختیار را چه کسی کشت. شاه به صراحت می‌گوید: "ما کشتیم". حالا چه طور بعد از چندین سال یک تیر فرضی را پیدا می‌کنند که سبب کشته شدن رزم آرا شده است. همه این مستندات موجود است که خلیل طهماسبی به خاطر این قضیه محکوم به اعدام شد و نمایندگان مجلس مصوبه‌ای را تصویب کردند که او را تبرئه کنند. جالب است که مجلس هفدهم بعد از کودتای ۲۸ مرداد و بعد از اینکه طهماسبی تبرئه شده و چند سال آزاد بود، مجدداً مصوبه جدیدی را تصویب کرد و آن مصوبه قبلی را که مربوط به بی‌گناهی او بود را لغو کردند. اگر کسی کتاب اسرار قتل رزم آرا نوشته آقای محمد ترکان را بخواند، متوجه می‌شود ایشان عناصری را کنار هم گذاشته تا اثبات کند کسان دیگری از دربار و مرتبط با انگلستان مرتکب ترور رزم آرا شده‌اند. زیرا اهمیت قصه به این بر می‌گردد که اگر قتل رزم آرا توسط خلیل طهماسبی باشد در آن صورت جبهه ملی

و دکتر مصدق بدهکار فداکاری فدائیان اسلام خواهند ماند. خاصه آنکه دکتر مصدق رفتار بسیار غیر دوستانه‌ای را بعد از به قدرت رسیدن با فدائیان اسلام انجام داد. حال آنکه مسیر ورود او و دوستانش در مجلس شانزدهم و سپس نخست‌وزیری وی توسط فدائیان هموار شد و این وحشت ناشی از ترور رزم آرا بود که شاه، دربار و مجلس را مجاب به امضا قانون ملی شدن صنعت نفت کرد. نکته قابل توجه این است که ملی‌گرایان در بحث تاریخ‌نگاریشان در مسائل مختلف فوق‌العاده هدفمند عمل کردند. لذا وقتی کتاب تاریخ ۲۵ ساله سرهنگ غلامرضا نجاتی را می‌خوانیم، در می‌یابیم اصلاً در این ۲۵ سال غیر از نهضت آزادی هیچ جریان فعالی در ایران وجود نداشته یا غیر از رهبران نهضت آزادی که جریان را به نحوی هدایت کردند، شخصیت‌های مهم دیگر چندان نقشی ندارند.

البته تبلیغات مطبوعاتی همزمان با پیروزی انقلاب در ایجاد این توهم مؤثر بوده است. چنانچه در این میان احسان نراقی نیز این قصه را باور کرده و فکر می‌کرد جریان حوادث انقلاب در دست نهضت آزادی و ملی‌گرایان است و عنوان می‌کند وقتی با شاه ملاقات کردم، به شاه گفتم: شما در گذشته به دکتر مصدق توهین کردید و حالا که قصه دست رهبران ملی‌گرا است، شما باید به نوعی اینها را همراهی کنید. محمدرضا پهلوی به نراقی گفته بود، تو نمی‌دانی و دریافت تو ناقص است، تو بر فضای سیاسی کشور اشراف نداری، ولی من می‌دانم که این وقایعی که اتفاق افتاده همه زیر سر آخوندها است و جریان را اینها هدایت می‌کنند و رهبری حوادث در دست روحانیت و نیروهای مذهبی است.

نیروهای ملی‌گرا هر آنچه را که ممکن بود اسطوره دکتر مصدق را مورد تعرض قرار داده و یا آنکه در افتخاری از افتخارات برای دکتر مصدق شریکی پیدا شود، آمدند تاریخ را به گونه‌ای دیگر تفسیر کردند و ضمن اینکه هیچ شریکی را در جریان ملی‌گرایی برای دکتر مصدق نپذیرفتند.

۳. روحانیت ستیزی تاریخی

با کنکاش در مطالب و منابعی که راجع به ملی شدن صنعت نفت از ملی‌گرایان به چاپ رسیده است در می‌یابیم که برای آیت‌الله کاشانی در جریان ملی شدن صنعت نفت هیچ نقشی قائل نیستند و مواردی که بر نقش آقای کاشانی تأکید می‌کنند، می‌خواهند بگویند؛ چرا آیت‌الله کاشانی، زاهدی را مدتی در مجلس نگه داشت. اصرار دارند به نوعی روحانیت را در کودتای ۲۸ مرداد دخیل جلوه دهند. نوک پیکان اتهام در مرحله اول آیت‌الله کاشانی

و در مرحله دوم آیت اله بهبهانی را نشانه می گیرد. البته بعضی ها هم جرأت کردند آیت اله بروجردی را با ماجرای کودتای ۲۸ مرداد همراه کنند و روحانیت را به نوعی موافق با جریان نیروهای آمریکائی و انگلیسی که در این دوره آمدند کودتا کردند نشان بدهند. این مسئله در آثار این دسته از نویسندگان کاملاً آشکار است. نکته دیگری که در آثار ملی گرایان مشخص است تلاش جدی آنان برای ترسیم یک چهره موحد و کانون قدرت پنهان در جریان انقلاب از روحانیت است. روحانیتی که در تقابل قدرت این بار اشتباه مشروطه و نهضت ملی را مرتکب نشد و آنچه را که خود در مبارزات سیاسی به دست آورده بود به دست ملی گرایان نسپرد و برای آن کوشش جدی تری به خرج داد، به همین خاطر روحانیت به همراه امام خمینی هر چند در زمان انقلاب و قبل از پیروزی مورد توجه حداقلی قرار می گیرد، ولی بعد از انقلاب به شدت در مجموعه آثار تاریخی ملی گرایان مورد بغض شدید است و در دوره های بعد یکی از بحث هایی که اینها مورد توجه قرار دادند، بحث مرحوم طیب است. چون طیب در کودتا ۲۸ مرداد حضور داشت و بعد در جریان نهضت امام خمینی اولین فدائی ایشان شد.

طیب از طرفی به امام متصل شده ولی به هیچ وجه به روند جدایی طیب از رژیم پهلوی توجه نمی کنند و جالب اینکه در کتاب خاطرات شعبان جعفری (شعبان بی مخ) هم مطالبی در مورد این قضیه آمده است. هما سرشار هم خیلی نسبت به این مسئله توجه دارد که به نوعی شعبان جعفری را متصل کند به فدائیان اسلام و طیب را همانند شعبان جعفری نشان بدهد. جالب تر اینکه شعبان جعفری به علت سادگی خود خیلی موارد صداقت به خرج می دهد و می گوید من عضو فدائیان اسلام نبودم. هما سرشار چندین بار تأکید می کند که شما عضو فدائیان اسلام بودید؟ شعبان می گوید: اینها تشکیلات نداشتند و کارهایشان هیئتی بوده و ضمن اینکه این مطالب را عنوان می کند، بعد می گوید من اصلاً عضو اینها نبودم و با آنها هم خوانی نداشتم. اینها آدم های مذهبی، مقید، اهل مسجد و نماز بودند و من این گونه نبودم.

جایی دیگر هما سرشار به صورت کنایه می گوید: شما هیئت راه انداخته و اهل روضه خوانی بودید، طیب هم مثل شما بود. بعد شعبان جعفری می گوید: من مثل طیب نبودم، طیب به این چیزها توجه داشت ولی من اعتقاد نداشتم. حتی وقتی مادرم می خواست برود امام رضا(ع)، برای آنکه بیماریش شفا پیدا کند، من گفتم اگر قرار باشد امام رضا(ع) همه را شفا بدهد، باید همه دکترها کارشان را جمع کنند و بروند دنبال کارشان، که مادر گفت من او را

مسخره کردم، ولی طیب مثل ما نبود. حتی او مراسم روضه خود را داشت. مرحوم عراقی در خاطراتش در خصوص سابقه همکاری طیب با رژیم پهلوی و احتمال خطر برخورد اطرافیان با تظاهر کنندگان را این طور نقل می‌کند: "ما گفتیم آقا ممکن است خطر از طرف نیروهای طیب باشد، امام فرمودند: او به امام حسین اعتقاد دارد و جزو کسانی است که منتظر است عاشورا شود و در ضمن مجلس روضه هم برگزار می‌کند." طیب را به هیچ عنوان نمی‌توان با شعبان جعفری و امثالهم مقایسه کرد. طبق اسناد موجود او را بسیار شکنجه کردند و خواستند او اعتراف کند و بگوید در جریان ۱۵ خرداد از امام خمینی پول گرفته و این آشوب را به راه‌انداخته است. ولی او این مسئله را قبول نکرد و بعد هم گفت من در کودتای ۲۸ مرداد نقش داشتم و از آمریکائی‌ها پول گرفتم و محمدرضا شاه را بر سر کار آوردم. در جایی دیگر می‌گوید که من همه گناهی در زندگی ام مرتکب شده‌ام، غیر از گناه تهمت به پسر پیغمبر (ص) و حضرت علی (ع) و الان هم نمی‌خواهم این گناه را مرتکب شوم.

یکی دیگر از موضوعات قابل توجه، ماجرای مرحوم سرلشگر قرنی است. در خصوص سرلشگر قرنی باید گفت ایشان در جریان کودتای ۲۸ مرداد، فرمانده نظامی تیپ گیلان بوده که هیچ مدرکی علیه همکاری او با عوامل کودتای ۲۸ مرداد ثبت و به اثبات نرسیده و تنها چیزی که مطبوعات آن دوره خواستند راجع به اقدامات قرنی توضیح دهند، این بوده است که بعد از تجمعاتی که صورت گرفت و منجر به پائین آوردن مجسمه شاه و پیروزی کودتا شد، قرنی دستور داد، مجسمه شاه را به داخل پادگان آوردند و مردم را با زبان پراکنده کرد و حتی زد و خوردی صورت نگرفت. او از مردم خواهش کرد به خانه‌های خودشان برگردند. قرنی در سال ۱۳۳۳ رئیس دوم اداره اطلاعات ارتش بود و کسانی که با قرنی در این مورد برخورد کردند، می‌گویند قرنی با ملاحظت رفتار می‌کرد. چند تن از ملی‌گرایان و روزنامه نگاران که آدم‌های مستقلی بودند، در خاطراتشان از برخورد خوب قرنی با مطالبی نقل کرده‌اند. وی در سال ۱۳۳۶ به فکر یک کودتا می‌افتد. وی معتقد بود که دستگاه دولتی در ایران فاسد شده و در کنار فسادش گرفتار بی‌نظمی و بی‌سرو سامانی گسترده‌ای است و این بی‌سامانی را می‌توان از طریق یک کودتای نظامی به سرانجام رساند. ضمن اینکه می‌دانست این تمایل در آمریکائی‌ها در جریان کودتای ۲۸ مرداد وجود داشت که حکومت در ایران را به سوی یک دیکتاتوری و حاکمیت نظامی وابسته به آمریکا پیش ببرند.

قرنی در سال ۱۳۳۶ توسط اسفندیار بزرگمهر، آمریکائی‌ها را در جریان کودتا می‌گذارد، اما آمریکائی‌ها تصمیم نداشتند در آن دوره تغییری را در ایران انجام دهند و با قرنی که او را

دقیقاً نمی‌شناختند باب همکاری را باز کنند و لذا قرنی را کنار گذاشته و کودتا را لو می‌دهند و به محمدرضا پهلوی خبر می‌دهند. در اینکه کودتا توسط آمریکائی‌ها یا انگلیس‌ها و یا روسیه‌ها فاش شده اختلاف نظر است. هر کدام از نویسندگان و مورخان بر حسب تمایلات و برداشت‌های خودشان به این مسئله اشاره می‌کنند. بعضی آمریکائی‌ها بعضی انگلیسی‌ها و بعضی روسیه‌ای‌ها را مقصر می‌دانند.

قرنی بعد از اینکه دستگیر می‌شود و به زندان می‌افتد با آیت اله طالقانی آشنا می‌شود و بعد از گذراندن دوره سه ساله محکومیت خود به شدت تحت نظر قرار می‌گیرد علی‌رغم تلاش حکومت از جمله شاه، فردوست و دیگران سعی کردند قرنی را به حکومت برگردانند. با وجود بسیاری از محرومیت‌هایی که در این دوره تحمل می‌کند، از قبیل: محرومیت به خاطر فقر، نداشتن کار، زندانی بودن و... قرنی موافقت نمی‌کند که دوباره با پهلوی‌ها همکاری نماید و به حکومت وصل شود. در این میان دیگران هم جرأت نمی‌کردند با او رفت و آمد و همکاری کنند.

قرنی نیروهای خاصی را در ارتش سازمان دهی کرد و طبق گزارشی که از ساواک در سال ۱۳۴۱ - ۱۳۴۲ به جا مانده، می‌گویند قرنی در ارتش به اندازه یک لشکر نیرو سازمان دهی کرده و توانسته بود افراد بسیاری را بسیج کند، در حالی که شدیداً تحت نظر بوده است. در جریان قیام ۱۵ خرداد، قرنی به نحوی با نیروهای مسلمان همراهی می‌کند و سال ۱۳۴۳ اولین برخورد و ملاقات او با مرحوم حاج آقا مصطفی خمینی (ره) بوده که ساواک آن را گزارش می‌کند. همچنین تماس‌هایی با آیت اله میلانی داشته است. وی مجدداً دستگیر و محکوم و زندانی می‌شود و بعد از این دوره، قرابت قرنی با جنبش امام خمینی بیش از پیش می‌گردد.

بحث دیگری که میان ملی‌گراها و نیروهای مسلمان بوده این است که بعد از انقلاب قرنی رئیس ستاد شد بسیاری از او انتقاد کرده‌اند. به طور مثال جدیدترین مقاله و تندترین انتقاد آنها توسط سرلشکر ناصر فرید، جانشین قرنی در ستاد مشترک از او صورت گرفته است که در ماهنامه حافظ منتشر شده است و البته ماهنامه حافظ یک ماهنامه تاریخی است با دیدگاه و دغدغه‌های ملی‌گرایان.

۴. مقصر خوانی حزب توده

یکی دیگر از ویژگی‌های تاریخ‌نگاری ملی‌گرایان موضوع کودتای ۲۸ مرداد است.

ملی‌گرایان با وجودی که قدرت سیاسی و نظامی و قانونی در اختیار آنان بود در معرض کودتای ۲۸ مرداد قرار گرفتند و یکی از مباحث حل نشده در تاریخ ملی شدن نفت دعوا بر سر مقصر یابی وقوع کودتا است. ملی‌گرایان عمدتاً حزب توده و اخیراً اسلام‌گرایان را مقصر وقوع کودتا معرفی می‌کنند و دیگر اینکه ملی‌گرایان توجه دارند به خود آمریکائی‌ها توهینی نمایند و انتقاد از دخالت آمریکا را مسکوت نگه می‌دارند، اما شدیدترین اتهامات را متوجه اسلام‌گرایان و حزب توده می‌نمایند و حزب توده را عامل شکست نهضت ملی معرفی می‌کنند. برای آشنایی بیشتر با ادبیات تاریخ‌نگاری ملی‌گرایان، دو کتاب تاریخ بیست و پنج ساله نجاتی و بازیابی ارزش‌ها مهندس بازرگان را ملاحظه قرار کنید.

محققان خارجی حامی انقلاب اسلامی

طیف دیگر محققان خارجی مدافع انقلاب اسلامی هستند. اشخاصی چون مرحوم دکتر کلیم صدیقی، فتحی شقاقی، علی عزت بگوویچ، راشد الغنوشی، حامد الگار و بسیاری از مؤسسات که در جاهای مختلف دنیا درباره انقلاب اسلامی بحث و بررسی کرده‌اند، کتاب منتشر کرده‌اند و اتفاقاً به خاطر نوشتن این آثار در تنگناهای زیادی قرار گرفته‌اند؛ مثلاً، مرحوم علی عزت بگوویچ به خاطر نوشتن کتاب درباره انقلاب اسلامی و امام خمینی پنج سال زندانی بود. این دسته از نویسندگان به بررسی پدیده‌ای که از نظر آنان یکی از بزرگ‌ترین حوادث قرن معاصر بوده است و تأثیر مهمی در سرنوشت مسلمانان جهان خواهد داشت مورد توجه قرار داده‌اند. این نویسندگان غالباً در کشورهای خود از شخصیت‌های مشهور و شناخته شده در عرصه بین‌المللی بوده‌اند که خود رهبری حوادث مهمی را بر عهده گرفتند.

فهرستی از آثار محققان خارجی انقلاب اسلامی

حامد الگار - ایران و انقلاب اسلامی

کلیم صدیقی - انقلاب اسلامی ایران - اهداف اساسی ۱۳۶۴

راشد الغنوشی - حرکت امام خمینی تجدید حیات اسلام

ودی احمد - نیم قرن جنایت

فتحی شقاقی - امام خمینی - راه حل

علی عزت بگوویچ - امام خمینی و انقلاب اسلامی

حسن زین - انقلاب اسلامی در ابعاد فکری و اجتماعی

حزیران - ۵۸

فهمی هویدی - ایران از درون

احمد شبیه - انقلاب اسلامی ایران امام خمینی رهبر - لاهور - ۱۳۷۵

میثال سلیمان - ایران در محرکه آزادی و استقلال

احمد حسین یعقوب - امام خمینی و انقلاب اسلامی - بیروت ۱۳۷۹

عدنان ملوحي - انقلاب ایران - قداستو اکثریت - بیروت

حسن ملکی - انقلاب اسلامی - در ایران

سلیمان کتانی - امام خمینی - شورش به نام خدا ۱۳۷۴

جعفر حسین نزار - ایران وقایع و حوادث - نشر و تنظیم - ۱۳۵۸

بسام مرتضی - معالم ۴ طریق نوره الدسیعید - نشانه‌ها راه انقلاب اسلامی

وحید الزمان صدیقی - انقلاب اسلامی ایران از نگاه دیگران

جمع بندی:

در این میان باید گوشه چشمی به این بحث داشته باشیم که شناخت تاریخ بعد از انقلاب چقدر به شناخت تاریخ قبل از انقلاب کمک می‌کند و بالعکس؟ کسانی که می‌خواهند با این رویکرد تاریخی به انقلاب اسلامی به مثابه یک واقعت اجتماعی و تاریخی در جهان معاصر بنگرند باید بدانند از چه زاویه‌ای وارد شوند و مهم‌ترین منابع و آثاری که می‌تواند مورد توجه قرار بگیرد چه خواهد بود. ممکن است گفته شود برای ورود به شناخت تاریخ انقلاب اسلامی از چه مقطعی باید مورد مطالعه قرار گیرد؟ و یا آنکه به عنوان سیر مطالعاتی برای کسی که کمی با تاریخ آشناست یا برای یک کتاب خوان غیر حرفه‌ای که نه به عنوان یک رشته تخصصی، بلکه به عنوان یک ضرورت فرهنگی و ملی انقلاب را می‌خواهد بشناسد از چه زوایایی باید وارد شود و چه سیری را طی کند که به برداشت عمیق‌تری از انقلاب اسلامی برسد؟ تا چشم‌انداز آینده انقلاب را بهتر بفهمد.

معتقدیم برای مطالعه انقلاب اسلامی بهترین منبع، خود امام است. تنها پدیده مهم تاریخی که خیلی مورد اعتنای واقعی قرار نگرفته شخص حضرت امام خمینی است. آثار تاریخی که از امام بر جای مانده و حوادث و اتفاقاتی که صورت گرفته به عنوان مجموعه گفت و گوه‌ای امام آورده شده است. اما به این قصه نگاه نشده است که مواضع تاریخی و مسیری

که امام آغاز کرد و ادامه داد چه بوده است. مثلاً کتاب درسی انقلاب اسلامی و کتاب‌های مختلفی که درباره تاریخ معاصر به نگارش در آمده است از ملی‌گراها شروع و بعد به چپ‌گراها می‌رسند. همه مباحث که تمام شد، در آخر امام وارد قضیه می‌شود و یک صفحه هم درباره او می‌نویسند. حضور امام حتی در تاریخ‌نگاری نیروهای مسلمان هم مشاهده نمی‌شود. علت اینکه بر منابع آمریکائی تاکید دارند این واقعیت است که آمریکایی‌ها معتقدند: آن کسی که با او طرف بودیم یک شخصیت برجسته و توانمندی بود که همه مسائلی را که مطرح می‌کردیم خوب می‌فهمید و همیشه چند گام از سیاست‌های آمریکا جلوتر بوده است. ولی خودی‌ها هنوز به این باور عمیق نرسیده‌اند. یعنی هنوز در ایران باور نکرده‌ایم که یکی از اصلی‌ترین خاکریزهای فتح ناشدنی، مبارزه مسالمت‌آمیز امام خمینی بوده است. خیلی‌ها اصرار داشتند که از خاکریز امام خمینی عبور کنند و نیروهای مخالف رژیم پهلوی در کشور وارد جنگ مسلحانه با رژیم پهلوی شوند، ولی امام کوچک‌ترین حرکت مسلحانه را مجاز ندانسته و اجازه ندادند. تقریباً تمام رهبران سیاسی داخل کشور به این نتیجه رسیده بودند. اشخاصی که از طرف سازمان مجاهدین خلق پیش امام رفتند از چه کسانی تأییدیه داشتند! تقریباً از همه آقايان اجازه گرفته بودند که مبارزه مسلحانه را آغاز کنند؛ اما امام اجازه نداد. حتی کسانی که در دوره‌های بعد آمدند شعار دادند که "تنها ره‌رهایی جنگ مسلحانه است" و اتفاقاً بسیاری می‌خواستند نیروهای مخالف را در این مسیر سازمان دهی کنند. ولی امام به صورت یک مانع و خاکریز بسیار مهم و حساس جلوی همه آنان ایستاد و هیچ‌کس هم نتوانست خاکریز امام را فتح کند. باید به این واقعیت تاریخی برگردیم و امام را بیشتر بشناسیم. آن افقی که امام از ابتدا دید و توانست جامعه را در آن مسیر پیش‌برد برای خیلی‌ها حل‌نشد. مطمئناً اصلی‌ترین کاری که در مطالعه تاریخ انقلاب باید انجام شود آن است که امام و شاه به عنوان دو محور اصلی این دوره باید شناخته شوند. دو کانون قدرت در ایران، یکی سلطنت و دیگری مرجعیت بوده است، تعاملات این کانون‌ها را باید شناخت. متأسفانه به هیچ وجه به این دو پدیده توجه نمی‌شود، مثلاً برخی اکراه دارند که سخنرانی شاه را پخش کنند. چه اتفاقی می‌افتد؟ نه تنها اتفاقی نمی‌افتد، بلکه جوان امروز می‌فهمد چه کسی بر این کشور حکومت می‌کرده و چه ادبیاتی داشته است. به این دو محور اصلی باید توجه شود. در روش مطالعه یکی از اصلی‌ترین چیزهایی که باید مورد توجه قرار بگیرد آن است که بدانیم آن چه می‌خوانیم از آن کیست و چه کسی این سخن را می‌گوید. شاید دوستان بگویند که تاریخ‌نگار بی‌طرف است. اما باید گفت بی‌طرفی تاریخ‌نگار یک شوخی و آرزوست.

هیچ مورخی نیست که بی طرف باشد جز آنکه بی طرفی او یک موضع خاص باشد. چون بی طرفی چند حالت دارد. یک وقت خود بی طرفی موضع است. موقعی که جشن های ۲۵۰۰ ساله در کشور برگزار می شد، اصلاً طراح و مجری اسرائیلی ها بودند آنها پیشنهاد را دادند و بعد به انجام رساندند. جالب اینکه تنها کشوری که به این جشن دعوت نشده بود اسرائیلی ها بودند، مجله اسرائیلی ها عزه لام می گوید: رابطه ما با شاه مثل رابطه عاشق و معشوقی است که از زبان هانریخ لایکه شاعر آلمانی آمده، او در شعرش می گوید: به معشوقم گفتم از آن طرف خیابان برو آن طرف بلوار. من این طرف و تو آن طرف، کسی ما را با هم نبیند که در دوستی ما خدشهای وارد کند. رابطه ما با شاه به این شکل است. گاهی این بی طرفی ها هوشمندانه است؛ بنابراین موضع بی طرف نداریم.

دیگر آنکه باید به سراغ منابع اساسی تر این دوره رفت. به نظر می رسد برای شناخت تاریخ انقلاب، یکی از منابع بسیار مهم مجموعه سخنرانی های امام است، این مجموعه واقعیت تاریخی این دوره را کاملاً معرفی می کند. نکته دیگری که می تواند مورد توجه باشد خواندن کتاب های جدی تر است. اصلاً توصیه نمی شود فقط کتب اسلام گرایان را مورد مطالعه قرار دهیم، کتاب های ملی گرا و چپ گرا هم آثار ارزشمندی دارد. منتهی باید کتاب های اساسی تر را خواند و به نگاه مربوط به کتاب هم توجه شود. در بین کتاب های محققان خارجی، کتاب های فوکو، ایرانی ها چه رویایی در سر دارند، شیر و عقاب جیمزبیل، دیکتاتوری و توسعه سرمایه داری فرد هالیدی و ایران سراب قدرت رابرت گراهام کتاب های ارزشمندی است؛ ضمن اینکه بستگی دارد که سیر مطالعاتی را از کجا به کجا بخواهیم پی گیری کنیم. گاهی ممکن است از شهریور ۱۳۲۰ شروع کنیم. در این میان کتاب های رسول جعفریان همچون جنبش ها و جریان های مذهبی بسیار با ارزش است. تاریخ سیاسی معاصر از دیدگاه امام خمینی مؤسسه نشر هم از کتب ارزشمند است، در بین خاطرات، خاطرات احمد احمد، خانم دباغ، آقای فلسفی، علی دوانی و از طیف نیروهای چپ گرا خاطرات کیانوری و ایرج اسکندری و در نقد و ارزیابی چپ گرایان، کتاب سازمان و سیاست حزب توده، کتاب شورشیان آرمانخواه مازیار بهروز و در بین نویسندگان ملی گرا کتاب تاریخ ۲۵ ساله، خاطرات مهندس بازرگان انقلاب ایران در دو حرکت و شصت سال خدمت هم جزء کارهای خوب این گروه است. خاطرات فردوست و از کاخ شاه تا زندان اوین احسان نراقی، خاطرات احمد علی مسعود انصاری، کتاب خون و نفت فرمانفرمایان، خاطرات مینو صمیمی تحت عنوان پشت پرده تخت طاووس هم از جمله کتب ارزشمند است. در بین

کتاب‌های پهلوی‌ها، خاطرات اشرف، مأموریت برای وطنم و پاسخ به تاریخ محمدرضا پهلوی، خاطرات علی امینی، جهانگیر تفضلی به علاوه عبدالمجید مجیدی، در خورد توجه هستند. اما نکته مهم اینکه دوستان اصلاً ذهنیت خود را با تجاری‌نویسان نبندند، چرا که این کتاب‌ها فقط در حد آشنایی اولیه است. برای کسی که فقط می‌خواهد با خواندن آشتی کند کتاب‌های خوبی است، اما به عنوان منبع ذهنی و فکری به هیچ وجه توصیه نمی‌گردد. ضمن اینکه حقایق بسیاری هم در این مجموعه‌ها وجود دارد. در این طیف کتاب‌های آقای معتضد از اعتماد بیشتری برخوردار است، یعنی با واقعیت‌های تاریخی قرابت بیشتری دارد. بعد از او کتاب‌های عاقلی رتبه بهتری را در بین تجاری‌نویسان دارد. با این وجود می‌توان در بعضی از موارد خاص به آنها مراجعه و استفاده کرد و البته بسیاری از حقایق در مورد پهلوی‌ها را گفته‌اند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و ماخذ:

- ۱- رابرت گراهام، ایران، سراب قدرت، ترجمه فیروز فیروزیان، تهران: سبحان کتاب، ۱۳۸۵.
- ۲- محمدحسین هیکل، ایران، روایتی که ناگفته ماند، ترجمه حمید احمدی، مقدمه و پاورقی از سید حمید روحانی، تهران: الهام ۱۳۶۶.
- ۳- فرد هالیدی، ایران دیکتاتوری و توسعه، ترجمه علی طلوع و محسن بلغانی، تهران: انتشارات علم، ۱۳۵۸.
- ۴- مهدی بازرگان، انقلاب ایران در دو حرکت، تهران: مهدی بازرگان، ۱۳۶۳.
- ۵- مصطفی المونی، ایران در عصر پهلوی، لندن: پکا، ۱۹۹۱ م.
- ۶- پروفیسور حامد الگار، انقلاب اسلامی در ایران، ترجمه مرتضی اسعدی و حسن چیدری، تهران: انتشارات قلم، ۱۳۶۰.
- ۷- تحریر تاریخ شفاهی انقلاب ایران: مجموعه برنامه داستان انقلاب از رادیو بی بی سی / به کوشش ع. باقی، قم: نشر تفکر، ۱۳۷۳.
- ۸- انقلاب ایران به روایت رادیو بی بی سی / زیر نظر عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: طرح نو، ۱۳۷۲.
- ۹- ویلیام سولیوان، سرآنتونی پارسونز، خاطرات دو سفیر: اسراری از سقوط شاه و نقش آمریکا و انگلیس در انقلاب ایران، مترجم محمود طلوعی، تهران: نشر علم، ۱۳۷۲.
- ۱۰- فرد هالیدی، دیکتاتوری و توسعه سرمایه داری در ایران، ترجمه فضل الله نیک آیین، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۸.
- ۱۱- سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی، به روایت تاریخ کمبریج / ترجمه عباس مخبر و ویراستاری مرتضی اسعدی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۱.
- ۱۲- ماروین زونیس، شکست شاهانه: ملاحظاتی درباره سقوط شاه، ترجمه اسماعیل ژند و بتول سعیدی، تهران: نشر نو، ۱۳۷۱.
- ۱۳- جیمز بیل، شیر و عقاب، ترجمه فروزنده برلیان، تهران: نشر فاخته، ۱۳۷۱.
- ۱۴- سرآنتونی پارسونز، غرور سقوط، مترجم منوچهر راستین، تهران: انتشارات هفته، ۱۳۶۳.
- ۱۵- ویلیام شوکراس، آخرین سفر شاه، سرنوشت یک متحد - آمریکا، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: نشر البرز، ۱۳۶۹.
- ۱۶- نیکی آر. کدی، ریشه‌های انقلاب ایران، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۱۷- حمید پارسایان، حدیث پیمانیه، پژوهشی در انقلاب اسلامی، تهران: معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی، ۱۳۷۶، قم: دفتر نشر معارف.
- ۱۸- محمدحسن رجیبی، زندگی‌نامه سیاسی امام خمینی (ره)، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷.
- ۱۹- کوثر. مجموعه سخنرانی‌های حضرت امام خمینی (ره)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۲۰- علی دوانی، امام خمینی در آینه خاطره‌ها، تهران: نشر معلم، ۱۳۷۳.
- ۲۱- حبیب الله طاهری، انقلاب و ریشه‌ها، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، مرکز چاپ و نشر، ۱۳۶۹.
- ۲۲- محمدرضا حکیمی، تفسیر آفتاب: نگرشی به رسالت اسلام و حماسه انسان، در رهبری امام خمینی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۷.
- ۲۳- علی دوانی، نهضت روحانیون ایران (۱۵ جلد)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۲۴- منوچهر محمدی، تحلیلی بر انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۰.
- ۲۵- جواد منصوری، سیر تکوینی انقلاب اسلامی، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵.
- ۲۶- احمد ملکی، تاریخچه جبهه، چرا جبهه ملی تشکیل شد، تهران: نشر روزنامه یومیه ستاره، ۱۳۳۲.
- ۲۷- انور خامه‌ای، اقتصاد بدون نفت، تهران: انتشار، ۱۳۶۹.
- ۲۸- غلامرضا نجابتی، مصدق سال‌های مبارزه و مقاومت، تهران: رسا، ۱۳۷۷.
- ۲۹- غلامرضا نجابتی، تقویم تاریخ خراسان (از مشروطیت تا انقلاب اسلامی)، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷.
- ۳۰- غلامرضا نجابتی، شهید در بامداد نهضت امام خمینی، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.
- ۳۱- غلامرضا نجابتی، جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ هفتم، ۱۳۷۳.
- ۳۲- غلامرضا نجابتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، از کودتا تا انقلاب، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۱.
- ۳۳- ناصر نجمی، بازیگران سیاسی عصر رضا شاهی و محمدرضا شاهی، تهران: انتشارات انیشتین، ۱۳۷۳.
- ۳۴- مسعود بهنود، از سید ضیاء تا بختیار: دولت‌های ایران از اسفند ۱۲۹۹ تا بهمن ۱۳۵۷، تهران: جاویدان، ۱۳۷۰.
- ۳۵- باقر عاقلی، روز شمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی، تهران: نشر گفتار، ۱۳۷۲.
- ۳۶- باقر عاقلی، نخست وزیران ایران، تهران: نشر جاویدان، ۱۳۷۰.
- ۳۷- محمود طلوعی، پدر و پسر: ناگفته‌ها از زندگی و روزگار پهلوی‌ها، تهران: نشر علم، ۱۳۷۲.
- ۳۸- محمود طلوعی، داستان انقلاب، تهران: نشر علم، ۱۳۷۳.
- ۳۹- باقر عاقلی، شرح حال رجال سیاسی، نظامی و معاصر ایران (۲ جلد)، تهران: گفتار علم، ۱۳۸۰.
- ۴۰- باقر عاقلی، خاطرات یک نخست وزیر (احمد متین دفتری)، تهران: علمی، ۱۳۷۰.
- ۴۱- احمد علی مسعود انصاری، پس از سقوط؛ سرگذشت خاندان پهلوی در دوران آوارگی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۷۱.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی